



منافات نداشتن آزادی عقیده با احکام مرتد

کلیدواژه: پذیرش دین، اجبار در دین، ارتداد، احکام مرتد.

پرسش: آیا آیه شریفه «**لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ**»، با حکم اعدام برای مرتد منافات ندارد؟

پاسخ: احکام ارتداد با آزادی عقیده تنافی ندارد؛ زیرا هر کسی در اصل پذیرش اسلام آزاد است، اما باید بداند که با پذیرش اسلام، **حق** برگشت از او سلب می‌شود. دینی که اصل آزادی در انتخاب عقیده را اصل می‌داند، این را هم می‌گوید که باید آگاهانه و با التزام به همه احکام دین آن را پذیرا شوی و اگر پس از انتخاب انکار کنی، احکام ارتداد درباره تو جاری می‌شود. همان‌گونه که ارتکاب دیگر انحرافات اجتماعی مجازات دارد؛ به طور مثال کسی که **مسلمان** شد نمی‌تواند شراب بنوشد و اگر مرتکب آن شود، حد بر او جاری می‌گردد و کسی که در **کمال** آزادی، دین را پذیرفته، نمی‌تواند احکام آن را با اصل آزادی در تضاد ببیند. این یک حکم عقلانی است.

ارتداد موجب **عقوبت** است و حکم شدید **مرتد**، از فروعات آزادی عقیده و حق تدین است؛ چون ارتداد نه تنها اهانت به **مقدسات دینی** است، بلکه مایه تزلزل در عقاید دیگران، و در واقع تجاوز به حقوق آنان است؛ از این رو در یک جمع‌بندی، احکام ارتداد نه تنها با اصل آزادی عقیده تنافی ندارد، بلکه در راستای تأمین آن بوده و ضامن **امنیت** اعتقادی پیروان دین است.

فهرست مندرجات

- ۱ - هدف مجازات در اسلام
 - ۱.۱ - حدیثی از پیامبر
 - ۱.۲ - بهترین قانون
- ۲ - آزادی عقیده
 - ۲.۱ - آیه ۷ سوره زمر
 - ۲.۲ - آیه ۹۹ سوره یونس
 - ۲.۳ - آیه ۲۵۶ سوره بقره
 - ۲.۴ - شرط انتخاب احسن
 - ۲.۵ - وظیفه پیامبر
 - ۲.۶ - ادله تحمیلی نبودن دین
- ۳ - معنای مرتد
- ۴ - احکام مرتد و اصل آزادی عقیده
 - ۴.۱ - رعایت قوانین در امور اجتماعی
 - ۴.۲ - حکم شدید مرتد از فروعات آزادی عقیده
- ۴.۲ - سخنان مقام معظم رهبری
- ۵ - معرفی منابع
- ۶ - پانویس
- ۷ - منبع

هدف مجازات در اسلام

مجازات در اسلام به انگیزه حمایت و پاسداری از **فضایل** و دور نگه داشتن جامعه از **رذایل** است که در جهت حفظ مصالح و منافع عمومی انجام می‌گیرد.

← حدیثی از پیامبر

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «**ایها الناس انتم کالمرضى و رب العالمین کالطیب فصلح المرضی فیما یعلمه الطیب لا فیما ینسئبه المریض**»؛^[۱] ای مردم! شما همانند بیماران و **پروردگار** عالمیان همانند پزشک است. پس مصلحت بیمار در تشخیص پزشک است، نه تمایلات خواسته‌های بیمار.

← بهترین قانون

بهترین **قانون**، آن است که وضع‌کننده آن ضمن **شناخت** مصالح فرد و جامعه، بدون آن‌که خود از آن منتفع شود و رعایت تمام جوانب مصالح اقدام به قانون‌گذاری کنند. احکام اسلامی به دلیلی که واضح آن **شارع مقدس** است، بهترین نوع ممکن است و ملاک مجازات‌ها، مصالح واقعی افراد و جامعه است.

آزادی عقیده

اسلام، آزادی عقیده را به رسمیت شناخته، چراکه **خداوند** انسان را مسئول آفریده و لازمه مسئولیت، شعور و آزادی **اراده** است. انسان با این دو نیرو که خداوند در وی به ودیعت نهاده، **طبیعت** را تسخیر می‌کند، **فرهنگ** می‌آفریند، **تمدن** می‌سازند، انتخاب یا اجتناب می‌کند، او مسئول است و مورد تشویق یا بازخواست قرار می‌گیرد. لازمه این دو نیروی تکوینی، آزادی تشریحی و اجتماعی است. انسان در پرتو آن، سلوک اجتماعی خود را برمی‌گزیند. هیچ کسی **حق** ندارد این اصل الهی را تحت سیطره و **حاکمیت** خود قرار دهد.

← آیه ۷ سوره زمر

در فرهنگ دین ما، قوام و ارزش انسان به چگونگی اعتقاد و **ایمان** او بستگی دارد. با وجود اینکه در زبان **وحی** اعتقاد به **توحید** مطلوب خداوند است، («**وَلَا**

بَرِّصِي لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ» [۲] ولی پیامبر فقط مأمور ابلاغ آن است؛ «حق را بگو، و عقیده‌ای را بر کسی تحمیل مکن» [۳]

— آیه ۹۹ سوره بقره

به همین خاطر اگر خداوند، عقیده اجباری را مطلوب می‌دانست، آن را تحمیل می‌کرد؛ «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً أَفَأَنْتَ تُكْفِرُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» [۴] «و اگر خداوند اراده می‌کرد، تمام اهل زمین ایمان می‌آوردند (ولی خداوند چنین ایمانی را نمی‌خواهد) آیا تو مردم را به اکره وامی‌داری که مؤمن شوند؟»

— آیه ۲۵۶ سوره بقره

در جای دیگر نیز با صراحت اجبار در پذیرش دین را نفی می‌کند: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» [۵] در قبول دین، اکره‌ای نیست، راه درست از راه انحرافی روشن شده است. تعبیر «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» گویای این حقیقت است که باید در پی حقایق بود، نه تحمیل عقاید و این فرهنگ الهی است که سعی دارد با منطق و استدلال و جدال احسن، [۶] [۷] بشر را به سوی حق فرا خواند، تا آنان پس از تأمل و تفکر، بهترین را برگزینند: «ای پیامبر! بشارت به بندگانی ده که پس از شنیدن سخنان، بهترین آنها را گزینش می‌کنند». («فَتَّبِعْ عِبَادِهِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» [۸])

— شرط انتخاب احسن

تشخیص و برگزیدن قول بهتر و عقیده برتر، زمانی میسر می‌گردد که زمینه ابراز عقاید گوناگون فراهم باشد، در غیر این صورت انتخاب احسن معنا ندارد.

— وظیفه پیامبر

بر همین اساس وظیفه پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تذکر دادن است، نه اجبار و اکره در پذیرش دین. («إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ • لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ» «تَنْحِ أَعْلَمَ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكَرْ بِالْقُرْآنِ مِنَ يَخَافُ وَعَبِدَ» [۹] [۱۰])

— ادله تحمیلی نبودن دین

اصولاً اسلام و هر دین حق از دو جهت نمی‌تواند جنبه تحمیلی داشته باشد؛ یکی این‌که با وجود دلایل روشن، استدلال منطقی و معجزات آشکار نیازی به تحمیل نیست؛ دیگر آنکه افکار و اعتقادات نمی‌تواند تحمیلی باشد. زور و اعمال فشار می‌تواند در اعمال و حرکات جسمانی بشر مؤثر باشد؛ اما در اعتقادات قلبی هرگز؛ اما منطق باطل‌گرایان این است که به دیگران فرصت اندیشه را نمی‌دهند، تلاش می‌کنند، ضمن خودسانسوری حق انتخاب را از دیگران سلب کنند: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ» [۱۱]

معنای مرتد

مرتد به کسی گفته می‌شود که از اسلام خارج شده و کفر را برگزیند. [۱۲] و حقیقت ارتداد، کفر پس از ایمان است. [۱۳] [۱۴] فقیهان عامه نیز در معنای اصطلاحی مرتد گفته‌اند: مرتد عبارت است از کافر شدن مسلمانانی که اسلام او به شهادتین، از روی اختیار، و پس از آگاهی بر ارکان اسلام و التزام به احکام آن باشد. [۱۵] [۱۶] یک چنین کسی از نظر اسلام، احترامی ندارد و مجازات شدیدی حتی مرگ برای او در نظر گرفته شده است. [۱۷]

احکام مرتد و اصل آزادی عقیده

اما وجه جمع احکام مرتد با آیاتی که بر اصل آزادی عقیده تصریح دارند، این است که همه آنها در مقام پذیرش اصل دین‌اند؛ یعنی در اسلام اصل پذیرش دین اجباری نیست. اسلام پیش از دعوت به حق سعی دارد تا جو اختلاف را از بین ببرد و فرصت تفکر و تعقل را برای انسان فراهم سازد؛ [۱۸] اما پس از انتخاب دین، کسی حق ندارد، دین را به بازی بگیرد. به بیان دیگر، شخصی که اقدام به پذیرش دین می‌کند، باید به اصل ارتداد و عواقب آن آگاهانه ملتزم شود. درحالی‌که همان شخص قبل از پذیرش اسلام چنین تعهدی ندارد.

می‌خواهیم این را بگوییم که احکام ارتداد با آزادی عقیده تنافی ندارد؛ زیرا هر کسی در اصل پذیرش اسلام آزاد است، اما باید بداند که با پذیرش اسلام، حق برگشت از او سلب می‌شود. دینی که اصل آزادی در انتخاب عقیده را اصل می‌داند، این را هم می‌گوید که باید آگاهانه و با التزام به همه احکام دین آن را بپذیرد و اگر پس از انتخاب انکار کنی، احکام ارتداد درباره تو جاری می‌شود. همان‌گونه که ارتکاب دیگر انحرافات اجتماعی مجازات دارد؛ به طور مثال کسی که مسلمان شد نمی‌تواند شراب بنوشد و اگر مرتکب آن شود، حد بر او جاری می‌گردد و کسی که در کمال آزادی، دین را پذیرفته، نمی‌تواند احکام آن را با اصل آزادی در تضاد ببیند. این یک حکم عقلانی است.

— رعایت قوانین در امور اجتماعی

در امور اجتماعی نیز چنین است، انسان در رانندگی و عدم آن آزاد است؛ اما اگر بخواهد رانندگی کند، باید به قوانین راهنمایی و رانندگی گردن نهد، یا اگر کسی به استخدام اداره‌ای درآمد، باید مقررات آن را بپذیرد. بدون شک هیچ‌یک از امور ذکرشده با آزادی او منافات ندارد.

— حکم شدید مرتد از فروعات آزادی عقیده

این امر در مورد دین اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ چراکه دین حق از ضروریات اولیه انسان بوده و با گوهر انسانیت مرتبط است و فقط در اعتقادات قلبی خلاصه نمی‌شود. طبعاً در بینش اسلام بین داشتن یا نداشتن دین تفاوت وجود دارد؛ چنان‌که دین حقیقی با خرافاتی نیز یکسان نیست؛ در نتیجه پذیرش آزادی مطلق در این زمینه مساوی با قبول هرج‌ومرج و تعارض اجتماعی است که یقیناً چنین چیزی را هیچ عاقلی نمی‌پذیرد. به همین دلیل ارتداد موجب عقوبت است، و حکم شدید مرتد از فروعات آزادی عقیده و حق تدین است؛ چون ارتداد نه تنها اهانت به مقدسات دینی است، بلکه مایه تزلزل در عقاید دیگران، و در واقع تجاوز به حقوق آنان است. قرآن کریم از گروهی یاد می‌کند که همواره به اسلام و مسلمانان عناد می‌ورزیدند، از شیوه‌هایی که آنان به منظور بدبین کردن مردم به اسلام در پیش گرفتند، تظاهر به اسلام و پس از آن ارتداد از اسلام بود. اهل کتاب از گردانندگان اصلی این جریان بودند و خداوند از توطئه پلید آنان چنین پرده برمی‌دارد: «دسته‌ای از اهل کتاب گفتند: اول روز به آنچه بر مؤمنان نازل شده، ایمان بیاورید و در آخر روز انکارش کنید، شاید آنان از اعتقاد خویش برگردند». [۱۹] واقع امر همین است، اگر پذیرش و انکار افراد به دین و مکتبی بدون ضابطه بوده و نظارتی در کار نباشد، آن دین تحقیر شده و اقتدار خود را از دست خواهد داد. اسلام چنین چیزی را برنمی‌تابد.

— سخنان مقام معظم رهبری

بحث را با گفتاری از رهبر معظم انقلاب به پایان می‌بریم، ایشان می‌فرماید: «با توجه به آیات مربوط به ارتداد، این‌گونه به نظر می‌رسد که اسلام با این کار درصدد آن است که حصار ایمان اسلامی را حفظ کند، در حقیقت بعد از این‌که مردم ایمان آوردند، نظام اسلامی را مکلف کرده است که از ایمان مردم حفاظت و حراست کند ... علت خشم الهی بر مرتدین و کسانی که از دین خارج شده‌اند این است که اینها زندگی و عشرت دنیوی و هواک نفسانی را بر خواست معنوی و قلبی و فطرت انسانی خود و بر آخرت ترجیح داده‌اند. [۲۰] بنابراین مسئله فقط عوض شدن یک اعتقاد نبوده است. مسئله این بوده که کسانی به خاطر جاذبه‌های مادی و تأمین هواهای نفسانی حاضر شده‌اند به حیثیت نظام اسلامی لطمه بزنند و به آن پشت کرده، ایمان اسلامی را رها کنند. این مقوله دیگری است و سخت‌گیری اسلام در رابطه با این مقوله است.»؛ لذا در یک جمع‌بندی، احکام ارتداد نه تنها با اصل آزادی عقیده تنافی ندارد، بلکه در راستای تأمین آن بوده و ضامن امنیت اعتقادی پیروان دین است.

معرفی منابع

۱. عیسی دلایی، ارتداد در اسلام، تهران، نی، ۱۳۸۰ ش.
۲. سیف‌الله صرامی، احکام مرتد از دیدگاه اسلام و حقوق بشر، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۷۶ ش.
۳. علی غلامی دهقی، جنگ‌های ارتداد، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه)، ۱۳۸۱ ش.
۴. مجد حسن قردان ملکی، آزادی در فقه و حدود آن، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۸۲ ش.

پانویس

۱. ↑ مجلسی، مجدباقر، بخاراانوار، ج ۲، ص ۱۰۷، تهران، اسلامیة، ۱۴۰۶ ق.
۲. ↑ زمر/سوره ۳۹، آیه ۷.
۳. ↑ كهف/سوره ۱۸، آیه ۲۸.
۴. ↑ یونس/سوره ۱۰، آیه ۹۹.
۵. ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۲۵۶.
۶. ↑ نحل/سوره ۱۶، آیه ۱۲۵.
۷. ↑ عنكبوت/سوره ۲۹، آیه ۴۶.
۸. ↑ زمر/سوره ۳۹، آیه ۱۷-۱۸.
۹. ↑ غاشیه/سوره ۸۸، آیه ۲۱-۲۲.
۱۰. ↑ ق/سوره ۵۰، آیه ۴۵.
۱۱. ↑ فصلت/سوره ۴۱، آیه ۲۶.
۱۲. ↑ امام خمینی، روح‌الله، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۳۹۴، مسئله ۱۰ موانع الارث، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی‌تا.
۱۳. ↑ علم‌الهدی، سیدمرتضی، السلسله بنایع الفقهیه، ج ۲۲، ص ۲۲، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۳ ق.
۱۴. ↑ قمی، میرزا ابوالقاسم، جامع الشتات، ج ۲، ص ۷۴۲، چ سنگی، بی‌تا.
۱۵. ↑ الجزیری، عبدالرحمان، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱۵، ص ۴۲۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۱۶. ↑ ابن‌قدمه، موفق‌الدین، المغنی، ج ۱۰، ص ۷۲، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ ق.
۱۷. ↑ صرامی، سیف‌الله، احکام مرتد از دیدگاه اسلام و حقوق بشر، ص ۱۷۷ به بعد، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۷۶ ش.
۱۸. ↑ اعراف/سوره ۷، آیه ۱۵۷.
۱۹. ↑ آل‌عمران/سوره ۳، آیه ۷۲.
۲۰. ↑ خامنه‌ای، سیدعلی، آزادی از نظر اسلام و غرب، مجله اندیشه حوزه، ش ۲، ص ۳۹، سال چهارم.

منبع

سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «منافات نداشتن آزادی عقیده با احکام مرتد»، تاریخ بازیابی ۱۳۹۸/۰۲/۱۰.

رده‌های این صفحه : [دین و آزادی](#) | [آزادی عقیده](#) | [ارتداد](#) | [رذائل اخلاقی](#) | [اخلاق اسلامی](#)